

گفتمان اهل نار و نور

بهجت السادات همایونی

❁ مقدمه:

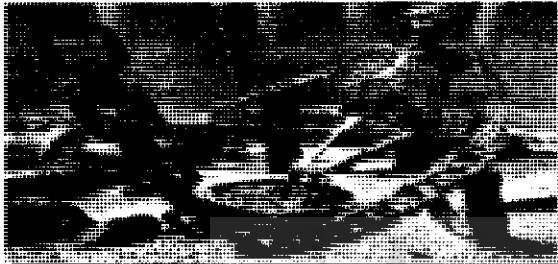
آنچه هدفمندی گفتمان یا گفتگوی سالم، صحیح و سازنده می باشد خنثی سازی تبلیغات، بیدارگری و روشننگری اذهان و افکار جامعه، غفلت زدایی از مردم و تهذیب اندیشه ها از شبهات و هدایت مخاطبان و ترسیم جلوه های فکری - فرهنگی و معنوی به نحو مطلوب و درست است - اسلام و قرآن کریم همواره مخالفان خود را دعوت به گفتگو و گفتمان برای مشخص شدن حقیقت نموده است و آنجا که مخالفان به دلایل واهی از گفتمان سالم و سازنده طفره رفته اند، کلاً - حتی - به مباحله و به نوعی تحدّی از جانب قرآن کشیده است و باز آنها در آن میدان، عجز و ناتوانی خود را مشاهده نموده اند امروزه نگاه های تبلیغاتی و مراکز رسانه ی سکولار و لائیک تمام همت خود را صرف القای تفکر خود به صورت یک طرفه نموده اند و از طرح افکار صحیح اسلام و قرآن واهمه دارند و مانع آن می شوند. اکنون علمای اسلام؛ نویسندگان؛ دانشمندان؛ هنرمندان؛ فیلسوفان؛ محققان؛ عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می برند و به حال اسلام و جهان اسلام دل می سوزانند باید برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همّت به کمر زنند و با هر وسیله ممکن مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت زدایی نمایند و یکی از راه های تحقق این مهم، با گفتمان و پرسمان میسر می شود و رونق می گیرد. (۱) الگوی این گفتمان و پرسمان، قرآن کریم است. قرآن کریم یک اثر هنری و فوق بشری است و خداوند تبارک و تعالی مفاهیم الهی را بسیار هنرمندانه به انسان ها از زمان نزول قرآن تا یوم القیامه ارائه نموده است (۲) از جمله این مفاهیم (گفتمان اهل نار و نور) است که خداوند توسط اهل بهشت (نوریان) از اهل جهنم (ناریان) اعتراف می گیرد تا در برابر همه تکذیب ها، تمهت ها، زخم زبان ها و فشارها شرمنده شوند و پاسخ خود را دریافت نمایند (۳)

❁ گفتگوی بهشتیان و دوزخیان :

قرآن کریم فرموده است: « و نادى اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن يبينهم ان لعنه الله على الظالمين » (۴).

و اهل بهشت، دوزخیان را صدا می زند: که ما آنچه را پروردگارمان وعده داده بود، حق و راست یافتیم (و به آن رسیدیم) آیا شما هم وعده های پروردگارتان را حق یافتید؟ (ما در لذت و نعمت هستیم، آیا شما هم در رنج و عذابید؟) گویند: آری. پس مؤذنی میان آنان اعلام می کند: لعنت خدا بر ستمکاران.

در روایات شیعه و برخی از احادیث اهل سنت آمده است که آن مؤذن، حضرت علی علیه السلام است، چنانکه سوره ی برائت را که شامل برائت از مشرکین در دنیا بود، در مکه خواند. پس قرائت قطعنامه های برائت و لعنت الهی



نسبت به مشرکان، در دنیا و آخرت از زبان علی علیه السلام است. (۵)

از این آیه چنین برداشت می شود که در قیامت بهشت و جهنم از نظر مکانی به گونه ای است که بهشتیان، دوزخیان را می بینند و از آنها خبر می گیرند، با آنها

گفتگو می کنند آنها را صدا می زند و ندا می دهند: « آیا وعده های الهی را حقیق و عملی یافتید یا نه؟ » و بدین وسیله خداوند توسط اهل بهشت، از دوزخیان اعتراف می گیرد، تا شرمندگی و فشار بیشتری بر آنان وارد شود و دادگاه قیامت، با شعار مرگ بر ستمگران پایان می یابد (۶)

این آیه به خوبی گفتمان اهل نار و نور را در قیامت به تصویر کشیده و این مرحله از گفتمان را ناشی از نتایج گفتمان این دو گروه در دنیا می داند. در آیات ما قبل این آیه آمده است که هر مومن و کافر در هر یک از بهشت و دوزخ مکانی دارند ولی مومن، جایگاه بهشتی کافر را به ارث می برد و کافر جایگاه دوزخی مومن را « و نودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون » (۷) از آیات و احادیث استفاده می شود که درهای سعادت و شقاوت به روی همه باز است و هیچ کس از ابتدا برای بهشت یا دوزخ خلق نشده، بلکه انتخاب و عمل او مسیر و جایگاه را معین می کند. آنچه باعث ارث بری جهنم برای دوزخیان می شود عناد و لجاجت و تکذیب هایی است که در گفتمان و پرسمان دنیایی خود داشته اند. خداوند آنها را این چنین معرفی می کند:

« الَّذِینَ یَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وِیَبْغُونَهَا عِوَجًا وِهُم بِالْآخِرَةِ کَافِرُونَ » (۸) (دوزخیان، ظالمینی هستند که مردم را از راه خدا باز می دارند و راه خدا را کج و منحرف می جویند و همانان به آخرت، کافرند.

از این آیه این نکته مهم برداشت می شود، که دوزخیان در گفتمان و پرسمان دنیایی با شبهه سازی، وسوسه ها، تبلیغ های منحرفانه، تضعیف ها و ایجاد بدعت ها و جعل خرافات و مقابله با رهبران حق و یأس آفرینی و کارشکنی و ایجاد انحراف و تغییر در راه حق، با طرح های مختلف می پردازند و با این امور، مکان گفتمان دوم خود را در «جهنم» مستقر می سازند. (۹)

❁ گفتمان اعراف با اهل جهنم در یوم التتاد:

(یوم التتاد) یکی از نام های قیامت است - روزی که نداها بلند است و دوزخیان در گفتمان های خود از یکدیگر استمداد می جویند ولی این ندا و ناله ها برای آنها فایده ای ندارد.

در آیاتی دیگر این گونه آمده است، و میان آن دو گروه (بهشتیان و دوزخیان) حجابی است و بر اعراف است از

اولیای خدا که همه‌ی اهل بهشت و جهنم را از سیمایشان می‌شناسند و بهشتیان را که هنوز به بهشت وارد نشده‌اند ولی امیدوارند، آنها را ندا می‌دهند که سلام بر شما! (۱۰)

و هر گاه چشمان بهشتیان به سوی دوزخیان گردانده شود، می‌گویند: پروردگارا! ما را با ظالمان قرار مده و اصحاب اعراف، (از اولیای خدا که میان بهشت و جهنم بر جایگاه بلندی مستقرند و مردانی از اهل دوزخ را که به سیمایشان می‌شناسند ندا می‌دهند و می‌گویند: آیا حزب شما و امواتان و استکبارتان به کار شما آمد و شما را یاری کرد؟! (۱۱)

اصحاب نار، اهل نور را مخاطب قرار داده و با شرمندگی می‌گویند: آیا کمی از آب یا از آنچه خداوند روزی شما کرده است بر ما فرو می‌ریزد؟ (بهشتیان اهل نور) گویند: خداوند این آب و نعمت‌ها را بر کافران حرام کرده است. (۱۲)

بار دیگر قرآن (اصحاب نار را معرفی می‌کند و می‌فرماید: آنان دین خدا را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان ساخت، پس همانگونه که آنان دیدار با این روزشان را فراموش کرده و آیات ما را انکار می‌کردند ما نیز آنان را به فراموشی می‌سپاریم. (۱۳)

✽ گفت‌وگو با اهل نار:

قرآن می‌فرماید: دو گروه اهل نار همدیگر را لعن و نفرین می‌کنند تا آنکه همه در دوزخ به هم برسند آن گاه گروه متأخر نسبت به گروه مقدم گویند: (خدایا اینان بودند که ما را گمراه کردند، پس عذابی دو برابر آتش دوزخ برایشان نصیب کن!) (کیفری برای گمراهی خودشان و کیفری برای گمراه ساختن ما و خداوند به آنها گویند: برای همه شما عذابی دو برابر است) (۱۴).

از صحنه‌های تکان دهنده‌ی قیامت، گفتگوی دوزخیان با یکدیگر، به ویژه با سران و بزرگانی است که سبب جهنمی شدن آنان شده‌اند از این رو آنجا دوستان با هم دشمن می‌شوند

«... الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتین» (۱۵)

«... وان ذلک لحقّ تخصّص اهل النار» (۱۶)

«... یکفر بعضهم ببعض ویلعن بعضهم بعضا» (۱۷)

آیات ۵۹ سوره صاد به بعد بیانگر گفتگوی جهنمیان و دشمنی آنها با همدیگر است. قرآن گفت‌وگو آنها را اینگونه روایت می‌کند: «این فوج انبوه که با خود می‌بینید پیروان شما پیشوایان هستند. در پاسخ می‌گویند: برایشان خوش آمد نگویید! زیرا یقیناً داخل آتش خواهند شد. پیروان آنها در پاسخ می‌گویند: برایشان مرحبا مباد! چون شما این آتش را از پیش برای ما درست کردید که چه بدقرار گاهی است) آنگاه پیروان دوزخی از خدا درخواست می‌کنند که:

«خدایا هر کس این عذاب را از پیش برای ما درست کرد عذابی دو چندان از آتش جهنم بده!» و خداوند می‌فرماید: (عذاب هر دو گروه را دو برابر خواهیم کرد) و بالاخره اهل نار؛ راه به جایی نمی‌برند و طریقی جز مسیر جهنم ندارند و سرانجام شومی که خود برای خویشان رقم زده‌اند را با انواع عذاب‌ها

باید بچشند که اینجا دیگر نه شفیمی دارند و نه دلسوزی و نه توجیه‌گری، که اعمال خلاف آنها را توجیه نماید و نه تحفیفی از عذاب و نه راحتی و رهایی از نعمت‌ها و آتش دوزخ، که از هر سو آنها را محاصره کرده و راه فراری هم ندارند. (۱۸)

اگر پرنیان است فود رسته ای

اگر بار خار است فود کشته ای

✽ پرسمان اهل نار از حضرت حق :

اهل نار از خداوند تبارک و تعالی می پرسند که ما مردانی را در دنیا از اشرار می پنداشتیم و در گفتمان دنیایی آنها را خشونت طلب، تندرو و بی منطق می دانستیم. الان آنها را در جهنم نمی بینیم؟ آیا آنان را به خطا مسخره گرفته بودیم یا چشمان ما به آنها نیتفاده است و وقتی جواب می آید که آنها از اهالی بهشت هستند و نجات یافته اند، می گویند ما آنها را به چشم حقارت می نگرستیم و همین امر سبب جدال بین ناربان می شود و آن وقت هر کسی از دیگری تبری جسته و هر کس دیگری را لعنت می کند به این معنا که با یکدیگر احتیاج می کنند این به آن می گوید: تو مرا به اینجا کشانیدی و او جواب می گوید که تقصیر خود شما بود که با پیوستن به ما، باعث سیاه رویی ما شد. و همدیگر را به اعتراف و اذار می کنند تا بلکه بدین وسیله خود را از عذاب عظیمی که آنها را احاطه کرده است نجات دهند. غافل از اینکه امروز دیگر روز قبول عذر و روز نجات نیست. (۱۹)

✽ تسهیلات پرسمان اهل نار و اهل نور :

شاید خوانندگان پرسند که چگونه اهل بهشت و اهل دوزخ با همدیگر صحبت می کنند، در حالیکه بنابر آیات و روایات، بعضاً بین آنها حجاب است و اهل دوزخ در زیر زمین و اهل بهشت در آسمان هستند. پاسخ این است که خداوند تبارک و تعالی برای ادامه‌ی گفتمان‌های دنیایی، اسباب و عللی که مانع دیدن و شنیدن اوضاع و صدای اهل نار و اهل نور می شود را برطرف می کند و از بین می برد و یا اینکه خداوند آن قدر صدای آنها را تقویت می کند که سخن همدیگر را می شنوند و گفتمان آنها با نتایجی روشن و محسوس برای اهل نار و نور به پایان می رسد. (۲۰)

✽ بی نوشت ها :

- ۱- هنر و رسانه ها از دیدگاه امام خمینی ص ۳۵۵ تا ۱۱-سوره اعراف آیه ۴۷
- ۲- فرهنگ و تهاجم فرهنگی ص ۳۲۵
- ۳- تفسیر نور ج ۴ ص ۶۹
- ۴- سوره اعراف آیه ۴۴
- ۵- تفسیر نور ج ۴ ص ۶۹
- ۶- تفسیر نور ج ۴ ص ۶۹
- ۷- سوره اعراف آیه ۴۳
- ۸- سوره اعراف آیه ۴۵
- ۹- تفسیر سوره نور ج ۴ ص ۷۰
- ۱۰- سوره اعراف آیه ۴۶
- ۱۱- سوره اعراف آیه ۴۷
- ۱۲- سوره اعراف آیه ۵۰
- ۱۳- سوره اعراف آیه ۵۱
- ۱۴- سوره اعراف آیه ۳۸
- ۱۵- سوره زخرف آیه ۶۷
- ۱۶- سوره صاد آیه ۶۴
- ۱۷- سوره عنکبوت آیه ۲۵
- ۱۸- سوره اعراف آیه ۳۸
- ۱۹- سوره اعراف آیات ۴۹ و ۵۱
- ۲۰- بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۳۳۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی

آموزش قرآنی